

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۵ اکتوبر ۲۰۲۰

جنگ قره باغ و شعارهای فاشیستی "مرگ بر کرد و فارس و ارمنی" در ایران!

صفحه ۲

شماره ۲۵۵

پیام فدایی



مردم مبارز آذربایجان! توده های آگاه و مبارز!

بار دیگر بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان بر سر منطقه "ناگورنو قرهباغ" که نزدیک به ۳۰ سال است بر سر آن، بین دو کشور اختلاف وجود داشته جنگی درگرفت، جنگی که تلفات و خسارات بسیاری به بار آورد و رنج و خسارات مادی و معنوی بزرگی را متوجه توده های تحت ستم هر دوی این کشورها نموده که حتی بدون وجود این جنگ هم کمرشان در زیر بار حاکمیت رژیم های ضد خلقی آذربایجان و ارمنستان خم شده است.

فاجعه استفاده ارتش جنایتکار آذربایجان از بمب های خوشه ای علیه توده های غیر نظامی در ارمنستان، حملات توپخانه ای وحشیانه دولت ارمنستان به توده ها در مناطق غیر نظامی آذربایجان و شرکت ارتش مزدور ترکیه و گسیل مزدوران داعشی برای قتل عام مردم بی گناه ارمنی در این جنگ، همگی، جلوه های کوچکی از ماهیت ضد خلقی جنگ کنونی را در چشم همگان آشکار می سازند. اکنون اعلام شده که با "وساطت" دولت روسیه، طرفین ظاهراً به آتش بس رضایت داده اند و تا این لحظه آتش بس لرزانی بین طرفین درگیر در مناطق جنگی حکمفرماست. اما هیچ نیروی مردمی و آزادیخواه، هیچ انسان عدالتخواه که ادعای تعهد به دموکراسی و حق تعیین سرنوشت خلق ها در یک محیط آزاد و دموکراتیک را دارد، نمی تواند با مشاهده اهداف و نتایج این جنگ ضد خلقی، آن را از سوی هر دو طرف و حامیان امپریالیست شان محکوم نکند.

به دنبال این درگیری نظامی، شاهد تجمعات اعتراضی متعددی در یک سری از شهرهای آذربایجان مانند تبریز، ارومیه و اردبیل و... در حمایت از جمهوری آذربایجان و محکوم کردن جمهوری ارمنستان بودیم. در این تجمعات در حالی که شعارهایی در دفاع از حق حاکمیت آذربایجان بر قره باغ سر داده می شد، شاهد نعره های فاشیستی و عربده های "گرگ های خاکستری" نیز بودیم. تجمع کنندگان به خصوص در روز شنبه دهم مهر ماه [میزان] تا آن جا پیش رفتند که شعار دادند: "کورد، فارس، ارمنی؛ آذربایجان دوشمنی" یعنی کُرد و فارس و ارمنی، دشمن آذربایجان می باشند. آن ها همچنین شعار "مرگ بر ارمنی! مرگ بر ارمنی!" سر دادند. سر داده شدن چنین شعار های ارتجاعی در تبریز و ارومیه و دیگر شهرهای آذربایجان که خود مهد مبارزه برای دموکراسی و برابری انسان ها بوده اند، نظر هر آزادیخواهی را به دست های پشت پرده ای جلب می کند که سال هاست آگاهانه بر طبل چنین اندیشه های ارتجاعی تفرقه افکنانه می کوبند. شنیدن چنین شعار هایی بروشنی نشان می دهند که فعالیت های تبلیغاتی اتاق های فکر جمهوری اسلامی و سیاست های ارتجاعی آن ها بی نتیجه نبوده و دشمن توانسته جدا از مزدوران مستقیم خود، متأسفانه ذهن بخشی از هویت طلبان آذری را نیز به بیراهه ببرد.

شعار های تفرقه افکنانه فاشیستی فوق در شرایطی سر داده شدند که نمایندگان خامنه ای در استان آذربایجان شرقی، استان اردبیل، استان زنجان و استان آذربایجان غربی، رسماً به پشتیبانی از جمهوری آذربایجان برخاسته و اعلام کردند که قرهباغ به "کشور اهل بیت" تعلق دارد. منظور از کشور اهل بیت هم جمهوری آذربایجان می باشد که از نظر سردمداران جمهوری اسلامی، مردمش مسلمان شیعه و نه مسیحی می باشند. مزدوران خامنه ای در موضع گیری خود نه تنها طرفین را به آتش بس و مذاکره دعوت نکردند بلکه برای این که بنزین بر آتشی که به پا شده بریزند، اعلام کردند که عملکرد جمهوری آذربایجان "در بازپس گیری این اراضی کاملاً قانونی و شرعی" می باشد.

با توجه به موضع گیری نمایندگان خامنه ای که بعداً از سوی علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین الملل علی خامنه ای، ولی فقیه جنایتکار جمهوری اسلامی، با زبان دیگری تکرار شد و سپس علی ربیعی، سخنگوی دولت روحانی همین موضع را به این شکل اعلام نمود که در درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قرهباغ، لزوم "تخلیه مناطق اشغالی" جمهوری آذربایجان موضع دولت می باشد، نباید انتظار داشت که در تجمعات اعلام همبستگی با جمهوری آذربایجان چنین شعار های فاشیستی از طرف مزدوران و وابستگان به رژیم، سر داده نشوند.

مردم مبارز آذربایجان! توده های آگاه و مبارز!

اختلافات رژیم های باکو با ایروان بر سر منطقه قره باغ امر تازه ای نیست، تاریخی تقریباً سی ساله دارد؛ و همزمان با تشکیل این دو جمهوری بعد از فروپاشی شوروی شکل گرفته است. در رابطه با این اختلافات، قدرت های امپریالیستی می کوشند به آن دامن زده و بر آتش آن بدمند تا بتوانند پیشبرد سیاست های خود را در این منطقه تسهیل نمایند. بنابراین، در شرایط سلطه قدرت های امپریالیستی بر آن مناطق، این اختلافات با جنگ و خونریزی قابل حل نیست و جنگ و خونریزی هم چنان ادامه خواهد داشت. تنها راه حل برای پایان دادن به چنین اوضاع جنایت بار، مبارزه با سلطه امپریالیست ها و رسیدن به یک شرایط دموکراتیک است که در آن خلق های ارمنی و آذربایجانی سرنوشت خود را به دست خود تعیین خواهند کرد. بر درستی این حکم، تجربه درخشان شوروی پس از انقلاب اکتوبر، قاطعانه مهر تأیید می زند. با پیروزی سوسیالیسم در روسیه و ایجاد شرایط کاملاً دموکراتیک در آن کشور، خلق های ارمنی و آذربایجانی از حق تعیین سرنوشت خود بهره مند شده و توانستند بدون هیچ منازعه ای با دوستی تمام در کنار هم زندگی کنند.

اما جدا از این که درگیری های موجود چه روندی پیدا کند، در رابطه با فریاد های فاشیستی مرگ بر فارس و کُرد و ارمنی باید دانست که: اگر مردم آذربایجان از ستم ملی در رنج اند اگر فرهنگ و زبان آن ها بیشرمانه تحقیر می شود و اگر آن ها همچون همه مردم ایران علیه ظلم و ستم های گوناگونی که بر زندگی شان حاکم شده فریاد اعتراض سر می دهند ، باید بدانند که همه این رنج ها و تحقیر ها ، اتفاقاً از سوی همین جمهوری اسلامی سازمان یافته و تا این رژیم جنایتکار پابرجاست ، از چنین تحقیر ها و ستم هائی گریزی نیست. این دشمن نه تنها به تُرک ها بلکه به کُرد ها و بلوچ ها و عرب ها و فارس ها هم ستم روا می دارد. پس در شرایطی که پیروزی ما بر چنین دشمنی به اتحاد همه خلق های ساکن این سرزمین منوط است، نباید اجازه داد که به جای فریاد اتحاد با خلق های ایران ، شعار مرگ بر کُرد و فارس و ارمنی سر داده شود. رهایی خلق تُرک ، هم چون همه خلق های ایران وابسته است به نابودی جمهوری اسلامی ، تا امکان یابیم در یک شرایط آزاد و دمکراتیک و با ابراز آزادانه اراده خود حق تعیین سرنوشت خویش را باز یابیم. بنابراین هر شعاری که بر طبل تفرقه بکوبد ، بدون شک در خدمت تداوم سلطه جهنمی جمهوری اسلامی و تداوم همه رنج ها و ستم ها و تحقیر هائی است که بر خلق های ستمدیده ما روا می شود.

رمز رهائی ما ، اتحاد ماست. اجازه ندهیم جمهوری اسلامی با اشاعه اندیشه های فاشیستی و چنین خزعبلاتی بین مردم دردمند ، تفرقه انداخته و به حیات ننگین خود ادامه دهد.

به نقل از: پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۵۵ ، مهر ماه [میزان] ۱۳۹۹